



به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن، تقدیم به همه آزادی خواهان و مبارزان جنبش رهایی و برابری زنان

ناتالی لومل: شخصیتی برجسته در کمون پاریس

نویسنده: کلودین ره*

ترجمه: زهره ستوده

ناتالی لومل، این بانوی بزرگ، تاریخ کمون پاریس را ننوشته بلکه آن را ساخته است. خاطراتش را به رشته تحریر در نیاورده، نامه ای از او بر جای نمانده است، هیچ چیز. فقط امضایش مثل دیگران درپائین اعلامیه های دیواری کمون با شعارهایی مثل: " ما کار می خواهیم و سودش را برای خود، نه استثمارگر می خواهیم و نه ارباب" دیده می شود. (نگاه کنید به کارت عضویت ۲۰۱۰ انجمن دوستداران کمون پاریس)

بهمین جهت به یاد این چهره بزرگ، سال ۲۰۱۰ را به او اختصاص داده ایم. این بهترین فرصتی است که این شخصیت را که تمام زندگی اش را صرف دفاع از دنیای کارکرده، از فراموشی بیرون آوریم.

ناتالی، در سال ۱۸۲۶ در شهر "پرست" (۱) بدنیا آمد و پدر و مادرش نهایت فداکاری را بکاربردند تا فرزندشان از سطح آموزش خوبی برخوردار شود. وی در سال ۱۸۴۵ ازدواج کرد و دارای سه فرزند شد.

سپس ناتالی و شوهرش، در شهر "کمیر" (۲) به شغل کتابفروشی پرداختند. ده سال قبل از رویداد کمون، آنها عازم پاریس شده و ناتالی، در "محله بروتن ها" (۳) در مجاورت ایستگاه راه آهن "مون پرناس" (۴) در یک کارگاه صحافی مشغول به کار شد. بنا به گزارشی از پلیس، ناتالی به علت: " پرداختن به سیاست، خواندن روزنامه های "ضاله" باصدای بلند، و آمد و رفت مداوم به کلوب ها"، توجه همگان را به خود جلب کرده بود.

ناتالی لومل عضو انجمن بین المللی کارگران (انترناسیونال اول) بود. در سال ۱۸۶۵، سندیکای کارگران صحاف کار، که توسط اوژن ورنلن (۵) و ناتالی لومل تأسیس شده بود، برابری دستمزد برای زنان و مردان را مطالبه و آن را بدست آورد.

اوژن ورنلن، برپائی رستورانی مردمی و همگانی به نام لامریت (۶) را پیشنهاد و ناتالی را برای مدیریت آن انتخاب کرد. این ایده با موفقیت مواجه شد.

ناتالی لومل، در دوران "کمون پاریس"، هم خود را صرف سازماندهی زنان کرد. در ۱۱ آوریل ۱۸۷۱، وی همراه با الیزابت د میتری یف (۷) "اتحاد زنان برای دفاع از پاریس و پرستاری از زخمی ها" را تأسیس کردند. برنامه "اتحاد زنان " مطالبات متعدد دیگری را در برمی گرفت از جمله: برابری دستمزد بین مردان و زنان، حق کارکردن (سازماندهی کارگاه های مصادره شده)، به رسمیت شناختن پیوند زناشویی اختیاری، حق طلاق و غیره.

طی " هفته خونین" (۸)، ناتالی لومل با همیاری دیگر زنان درباریکاد میدان بلانش (۹) به مقاومت ادامه داد. وی در ۲۱ ژوئن ۱۸۷۱ دستگیر و به تبعید در یکی از دژهای نظامی محکوم شد. سرانجام ناتالی در ۲۸ ژوئن ۱۸۷۹ (هشت سال بعد)، از تبعید بازگشت. در ۸ نوامبر ۱۸۷۹، سرپرستی جشن بازسازی اطاق سندیکائی کارگران صحاف کار به وی محول شد و در روزنامه "سازش ناپذیر" (۱۰) به مدیریت هانری رُشفور (۱۱) به شغل تا کردن روزنامه پرداخت.

هنگامی که بعلت " فرسودگی ناشی از زندگی مبارزاتی"، مجبور به ترک شغلش شد، هانری رُشفور مقرری ناچیزی برای او تعیین کرد. اما در آن ایام، چون هانری رُشفور به "بُولانژسیم" (۱۲) پیوسته بود، در نتیجه ناتالی لومل از دریافت کمک مالی وی خودداری کرده و بدین سان در فقر و تهیدستی کاملی فرو رفت.

نابینا، در سن ۹۰ سالگی، ناتالی لومل به خانه سالمندان "بیستر" (۱۳) منتقل و ۵ سال بعد در تاریخ ۸ مه ۱۹۲۱ درگذشت: در پنجاهمین سالگرد کمون پاریس در ماه مه.

مارس ۲۰۱۰ – اسفند ۱۳۸۸

برگردان از فصل نامه شماره ۱ انجمن دوستداران کمون پاریس، به تاریخ ۲۰۱۰

Claudine REY*

- ۱ – Brest شهری در شمال غربی فرانسه
- ۲ – Quimper شهری در شمال غربی فرانسه
- ۳ – Les Bretons
- ۴ – Montparnasse
- ۵ – Eugène VARLIN

اوژن وِرْلَن متولد ۱۸۳۹ انقلابی فرانسوی و کارگر صحاف کار چاپخانه و دبیر شاخه فرانسوی انجمن بین المللی کارگران (انترناسیونال اول). وی عضو کمیته مرکزی گارد ملی کمون پاریس و عضو کمیسیون مالی کمون پاریس بود. و در روز ۲۸ مه ۱۸۷۱ به دست ارتش ورسای به طرز فجیعی به قتل رسید.

۶ – La Marmite

رستوران عمومی برای کمک به کارگران و زحمتکشان با قیمت ارزان بود و هم چنین فرصتی فراهم کرد تا در این مکان به آموزش سیاسی بپردازند.

۷ – Elisabeth DMITRIEFF

الیزابت دِ میتری یف متولد ۱۸۵۱ در شهر "وُلُوک" در روسیه، فمینیست روسی و عضو انترناسیونال اول بود که توسط مارکس در سن بیست سالگی به پاریس فرستاده شد تا در کمون پاریس شرکت کند. پس از هفته خونین به روسیه گریخت.
۸ – پاریس، توسط کمونارها در روز ۱۸ مارس ۱۸۷۱ تسخیر و اولین حکومت کارگری جهان که به کمون پاریس معروف است در آنجا برقرار شد. این حکومتدر مجموع بیشتر از ۷۲ روز طول نکشید و طی هفته خونین از ۲۱ تا ۲۸ مه توسط آدولف تی یر رهبر حکومت ورسای و ارتش آن به خاک و خون کشیده شد. در هفته خونین، بیست و پنج تا سی هزار نفر از کمونارها و مردم پاریس در کوچه و خیابان قتل عام وچهل و پنج هزار نفر دستگیر و بسیاری از آنان تبعید یا اعدام شدند.

۹ - La place Blanche

۱۰ – L' Intransigent

۱۱ - Henri ROCHEFORT

ادیب، روزنامه نگار، سیاستمدار و نویسنده جمهوری خواه و ضد امپراتوری فرانسه و از همراهان کمونارها و از دوستان ویکتور هوگو و ژول وایس و ... بود. وی مدیریت روزنامه "سازش ناپنیر" را بعهدده داشت که از ژوئیه ۱۸۸۰ منتشرشده و در واقع صدای کمونارها بود. هانری رُشفورکم کم به راست افراطی و خصوصاً" دکترین بولانژسیم نزدیک شده و سرانجام منجر به قطع روابط با دوستان سابقش شد. وی در کمال تنهایی و بی تفاوتی مردم به خاک سپرده شد، گرچه تا پایان عمر همچنان ضد روحانیت (آنتی کلریکال) باقی ماند.

۱۲ - Boulangisme

دکترین جنبش ناسیونالیستی و راست افراطی منتسب به ژنرال ژرژ بولانژه وزیر جنگ جمهوری سوم فرانسه بود.

۱۳ - Bicêtre